

برای <احسان هوشمند>، محقق اخلاق‌گرای کشورمان

هفدهم دی ماه 1390، خبر بازداشت مجدد آقای احسان هوشمند فضای رسانه‌ای را تحت تأثیر قرار داد. وی عمدتاً به عنوان یک محقق برجسته «کردشناسی» و در عین حال «مبارز سیاسی ایران‌دوست»، مطرح است؛ اما آنچه شخصاً شاهد بوده‌ام، خصوصیات ارزشمند دیگری است که به طور مختصر به آنها می‌پردازم.



احسان هوشمند

رویکرد آقای هوشمند در خدمت به کرد و کردستان

تردیدی نیست که وی مخالف قاطع خشونت‌های تجزیه‌طلبی می‌باشد؛ اما همو خدمات ارزشمندی به کرد و کردستان دارد که بسیار بی‌ادعا و بدون کمترین خودنمایی انجام گرفته‌اند. برخی از آنها به قرار زیر هستند:

- 1- همواره در دفاع از حقوق زندانیان سیاسی و به خصوص کردها، موضع‌گیری می‌نماید. اقدامات او در این راستا حتی بیشتر از اکثر سخنگویان احزاب کردی است؛ زیرا بدون توجه به وابستگی سیاسی و فقط از منظر انسانی اقدام می‌کند. مواردی چون زینب جلالیان، شیرین علم‌ه‌ولی، فرزاد کمانگر (دو بار در اعتماد ملی)، محمد صدیق کبودند و... در این راستا قابل ذکر می‌باشند.
- 2- ایشان بارها از فعالان سیاسی برجسته از جمله آقای «مهندس سحابی»، برای زندانیان کرد (ولو با اشتباهاتی که داشته‌اند) بیانیه گرفته است. به عنوان مثال مواردی چون زینب جلالیان و حبیب لطیفی قابل ذکر هستند. این اقدام هم باعث توجه بیشتر فعالان سیاسی کشور به کردستان خواهد شد.
- 3- وی با کمک برخی اصلاح‌طلبان، برای نخستین بار بحث اقوام ایرانی را وارد «برنامه چهارم» توسعه نمود. خود او مسئول آن بوده و از مشورت بسیاری قوم‌گرایان و حتی افراد تندرو هم استفاده می‌کرد. البته تمام مصوبات ارزنده آن با آمدن دولت احمدی نژاد متوقف گردیدند.
- 4- اکثریت بزرگداشت‌های نخبگان قومی در روزنامه شرق، به همت او و برای کردها بود. کسانی چون ابراهیم ابریشمی داماد قاضی محمد، رئوف توکلی، ابراهیم یونسی، بهزادیان سنندجی عبدالحمید حیرت سجادی از آن نمونه هستند. اخیراً هم در صدد بود که برای بزرگان کرمانشاه اقدام نماید.
- 5- او از بنیانگذاران نشریه کردی زبان «سیروان» در سنندج بوده و چند سال مدیر اجرایی اش بود. «ویژه نامه اقلیم کردستان عراق» در شماره 58 «گفتگو» هم، از کارهای دیگر ایشان می‌باشد. کسانی چون مشاور نخست‌وزیر کردستان عراق، مسئول نمایندگی رسانه‌ای اتحادیه میهنی کردستان و... نیز

در تدوین آن با وی همکاری داشتند. ضمناً آن مجموعه در کردستان عراق هم مورد توجه خاصی قرار گرفته است. این احتمال هم وجود دارد که تداوم برخورد با ایشان به آن مسائل مربوط باشد.

6- تلاش برای فعالیت مدنی و رفع خشونت، از اقدامات همیشگی آقای هوشمند است. آقای «محمد لطیف عباس پناه» از فرهنگیان قدیمی کردستان، در این مورد می‌گوید: «گواهی میدهم با این که هم دوران قبل از انقلاب و هم بعد از انقلاب راکما بیش درک کرده ام، نخستین بار احسان هوشمند بود که بسیاری از ما فرهنگیان کردستان را با فعالیت قانونمند بدور از جنجال‌های احساسی و نیز بسیاری از حقوق مدنی خویش آشنا کرد. سزاوار نیست پاداش کسی که همه همتش در جهت آبادی و توسعه‌ی است ان زادگاه و کشورش بوده است زندان باشد.»

7- اشاره به این نکته لازم است که افزایش قدرت مردم بومی در قالب گسترش شوراهای، مورد تأیید کامل آقای هوشمند می‌باشد. البته وی فنوالیسم را برای شرایط فعلی ایران ناممکن می‌داند؛ اما قائل به تمرکززدایی به شکل‌های دیگری بوده و در مصاحبه با دو ماهنامه چشم اندازه ایران، شماره 70 آبان و آذر 1390، می‌گوید: «قطعاً در جامعه ایران نیاز به تمرکززدایی هست بویژه برای کارهای اداری».

8- آنچه هم از اخلاق شخصی او دیده ام، بزرگواری همیشگی در برخورد با مخالفان است. چنانکه حتی به مخالفانش در سیروان، چشم‌انداز و... فضای ابراز نظر می‌داد.

و در نهایت تنها می‌توانم بگویم که ایشان در یک کلام خدمتگزار صادق و بی ادعای ایران و به ویژه کردها بوده و با تمام قوا در صدد رفع بحران‌های قومی کشور است. بگذریم که خود او کرد بیچار بوده و آشنائی فراوانی با اکثر گویش‌های کردی دارد و حتی یک بار هم با خود من فارسی صحبت نکرده است و...

خاطره‌ای از بحث «ملی-اخلاقی»

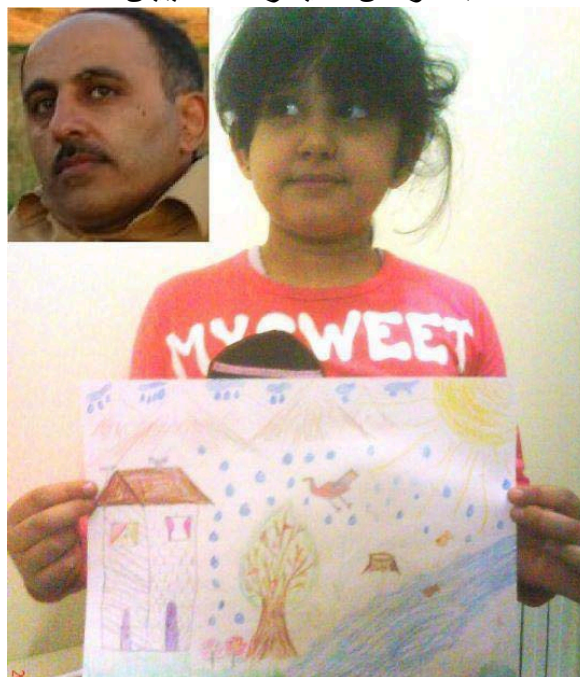
خاطره زیبای دیگر من از ایشان در بحث نیروهای ملی-مذهبی است. توضیح اینکه اینجانب زمانی کل نیروهای ملی-مذهبی‌ها را خواهان نوعی حکومت دینی و زیرشاخه‌ای از نیروهای مذهبی می‌دانستم. منتقد شدید آنان هم بوده و با مقالاتی موجب رنجش بسیاری از آن عزیزان گشتم. این مطلب در اولین دیدار شخصی من با آقای هوشمند نیز مطرح شد. هرگز از یاد نمی‌برم که بعد از مباحث تند من، ایشان به ناگهان با خنده‌ای خود را متعلق به طیف ملی-مذهبی معرفی نمود که واقعاً از بزرگواری او شگفت‌زده گشتم! با توجه به برخی مشکلات هم، هرگز انتظار چنان برخورد دوستانه‌ای از یکی از بزرگان آنان را نداشتم!

در ادامه بحث هم متوجه شدم که ایشان و بسیاری همفکرانشان، دین را فقط شخصی دانسته و کمترین گرایشی به دخالت در کار بقیه یا دخالت دین در حکومت، ندارند. تمام تأکید آنان نیز بر پایبندی به اخلاق و تلاش برای گسترش آن در جامعه می‌باشد. حتی به ایشان گفتم شما «ملی-اخلاقی» هستی که کاملاً تأیید نمود. آن زمان تازه متوجه شدم که چقدر با بسیاری از آن عزیزان اشتراک نظر دارم و تا چه حد در برخی داورۃ-ها اشتباه کرده‌ام!

زمانی که این سطور را به پایان می‌برم، بیش از یک ماه از بازداشت آقای هوشمند در انفرادی‌های اوین گذشته است. در آن روز ماموران چنان وحشیانه به منزل آنها یورش بردند که «مهرآه» دختر 7 ساله او از شدت گریه خون دم آغ گشتم. حضرات حتی تا چند ساعت اجازه ندادند که آن طفل معصوم به خانه همسایه برود. حتی اجازه نمی‌دهند که دو نقاشی مهرآه به دست پدرش برسد. همه اینها در حالی است که ایشان مقداری ناراحتی جسمی هم داشته و در زندان هم شرایط نامناسبی دارد چنانکه بعد از یک ماه در حد 10 کیلو از وزن ایشان کم شده که بسیار نگران کننده می‌باشد. تا امروز هم هیچ خبر درستی از اتهام او اعلام

نشده است. در این مدت بارها از خود پرسیده ام که وقتی با انسانی به اخلاقمنداری او ، چنین برخورد می‌کنند، سرانجام خود ظالمان چه خواهد بود؟

به کوشش حمید رضا مسیبیان



«مهرآوه» دختر ۷ ساله آقای احسان هوشمند که در هنگام یورش ماموران، از شدت وحشت به گریه افتاده و خون دماغ شده بود. اما ماموران تا چند ساعت حتی اجازه نمی‌دادند که او را به خانه همسایگان هم ببرند!